

رویکردهای نوین در مدیریت ورزشی
دوره ۴، شماره ۱۳، تابستان ۱۳۹۵
ص ص: ۶۱-۷۲

تحلیل عاملی نقش سیاسی دولت در اجرای سیاست خصوصی سازی صنعت ورزش

حجت محمدی مغانی^{۱*} - سیدمحمد کاشف^۲ - حبیب هنری^۳ - حسن قره خانی^۴

۱. دکتری مدیریت و برنامه ریزی تربیت بدنی، دانشگاه فرهنگیان زنجان، زنجان، ایران. ۲. دانشیار گروه تربیت بدنی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران. ۳. دانشیار گروه تربیت بدنی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. ۴. استادیار گروه تربیت بدنی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۰۴، تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۰۴/۱۵)

چکیده

هدف این پژوهش ارائه مدل تحلیل نقش سیاسی دولت در خصوصی سازی ورزش ایران بود. این مطالعه ترکیبی و از نوع طرح های آمیخته اکتشافی است. مرحله اول کیفی بود. بدین منظور با مرور مبانی نظری و انجام مصاحبه عمیق نیمه ساختار یافته، اطلاعات تکمیلی گردآوری، سپس داده های ۲۰ مصاحبه به روش گراند تئوری کدگذاری شد. گروه بندی کدها چهار مؤلفه را نشان داد. مرحله دوم به صورت کمی و به روش مدلسازی معادلات ساختاری انجام گرفت. نمونه ۲۲۲ نفر به صورت هدفمند انتخاب شدند. پرسشنامه محقق ساخته برگرفته از مرحله کیفی به عنوان ابزار تنظیم شد. روایی محتوایی را پانزده متخصص تأیید کردند و پایایی آن را آلفای کرونباخ ۰/۸۱۳ نشان داد. به منظور محاسبه اعتبار سازه و بررسی ساختار عاملی داده ها از تحلیل اکتشافی و تأییدی، و برای محاسبه پایایی مقیاس ها و خرده مقیاس ها از آلفای کرونباخ استفاده شد. مقایسه متغیرها نشان داد تأثیر مؤلفه های انسجام سیاسی- اجتماعی، حاکمیت قانون و قدرت دولت بر خصوصی سازی ورزش ایران معنادار بود، ولی مؤلفه مشارکت سیاسی با مقدار $\alpha=0/128$ اثر معناداری نداشت. مؤلفه انسجام سیاسی- اجتماعی با ضریب رگرسیونی ۰/۱۸۷ دارای بیشترین تأثیر بود و در مرتبه های بعدی حاکمیت قانون (۰/۱۵۶)، قدرت دولت (۰/۱۰۳) و مشارکت سیاسی (۰/۰۴) قرار داشتند.

واژه های کلیدی

تحلیل عاملی، تئوری سازی داده بنیاد، خصوصی سازی ورزش، مشارکت سیاسی، نقش دولت.

مقدمه

اندیشمندان عنوان می‌کنند که راهکار مناسب برای مقابله با شرایط اقتصادی بسیار دشواری که صنعت ورزش را احاطه کرده، خصوصی‌سازی آن است (۲۳).

برخی بزرگان ورزش ایران نیز در یک مورد اتفاق نظر دارند و این اتفاق نظر بیان می‌کند که ورزش ما برای پیشرفت باید خصوصی شود، اما در این اتفاق نظر یک اختلاف عمل وجود دارد و آن به پیشینه خصوصی‌سازی در ایران برمی‌گردد که در نهایت به خودمانی‌سازی منجر شده است و این تجربه تلخ سایه شوم خود را بر روند خصوصی‌سازی در ورزش ایران افکنده است. امروزه در کشورهای پیشرفته، ارزش افزوده صنعت ورزش بخش چشمگیری از محصول ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهد و نقش مهمی در ایجاد درآمد، اشتغال و نیز تفریح و سرگرمی دارد (۱۸). اما وضعیت این صنعت در ایران به گونه دیگری است. مطالعات نشان می‌دهد که سهم صنعت ورزش از تولید ناخالص ملی^۳ کشورهای مختلف حدود ۰/۷۵ تا ۴/۴ درصد است. در حالی که سهم این صنعت از تولید ناخالص ملی (۱/۰۱ درصد) به طور معناداری کمتر از شاخص جهانی است (۱۵).

نگاهی به تاریخ ورزش در کشور نشان می‌دهد که نقش دولت در این حوزه بسیار پررنگ شده است. در نتیجه پررنگ شدن نقش دولت در این عرصه و پدید آمدن انواع سازمان‌های ورزشی که بزرگ‌ترین و مهم‌ترین آنها نیز دولتی یا وابسته به دولت بودند، با گذشت زمان نقش مردم در عرصه مدیریت ورزش یعنی سیاستگذاری و برنامه‌ریزی کاهش یافت و همین مسئله نیز به حاکمیت نگرش دولتی در عرصه تربیت بدنی و ورزش انجامید (۴). الهی (۱۳۸۷) یکی از موانع موجود در برابر خصوصی‌سازی ورزش را موانع سیاسی می‌داند (۳). رضوی (۱۳۸۳) در نتایج تحقیق خود با عنوان «تحلیل سیاست

در طول تاریخ، در بسیاری از کشورهای جهان، بخش خصوصی به صورت محدود یا غالب نقش‌هایی را بر عهده داشته است. بسیاری از خدماتی که امروزه دولت ارائه می‌دهد، توسط بخش خصوصی ارائه می‌شده است (۱۷). خصوصی‌سازی^۱ کاهش نقش دولت در ارائه خدمات، کاهش یارانه‌های دولتی و مقررات‌زدایی بیشتر و انتقال خدمات از بخش دولتی به بخش خصوصی است (۱۶). خصوصی‌سازی یکی از مهم‌ترین عناصر پدیده جهانی‌سازی و استفاده روزافزون از بازارها برای تخصیص منابع است (۲۱). برنامه خصوصی‌سازی باید برای غلبه بر مقاومت و کاهلی ایجادشده توسط دستگاه اداری و منافع شخصی، از سوی بالاترین مقام‌های دولتی حمایت شود. تحقق اجرای برنامه باید وظیفه افراد عمل‌گرای دارای نفوذ سیاسی و نیز کسانی که به تخصص و مهارت فنی در سطح جهانی دسترسی دارند، باشد و نه کسانی که منافعشان در حفظ وضع موجود است. دولت باید به سرمایه‌گذاران اطمینان بدهد که با استفاده از نفوذ سیاسی، منافع آنها را به خطر نخواهد انداخت. رویارویی برنامه خصوصی‌سازی با مخالفت اداری و مقاومت سیاسی، امری اجتناب‌ناپذیر است، زیرا خصوصی‌سازی موجب تغییر دستگاه‌های دولتی می‌شود. با قرار دادن گروه مسئول خصوصی‌سازی در نزدیکی مرکز قدرت دولت، می‌توان مخالفت اداری را از میان برد و مسائل سیاسی را به خوبی کنترل کرد (۸). براساس نتایج تحقیقات موفقیت خصوصی‌سازی مستلزم ایجاد محیط مناسب سیاسی است تا بخش خصوصی توانایی انجام کار در آن موقعیت را داشته باشد (۶). امروزه بحث خصوصی‌سازی در کشور در تمام صنایع مورد توجه قرار گرفته و صنعت ورزش^۲ نیز از این مقوله مستثنا نیست (۳).

1. Re privatization
2. Sport Industry

3. Cross Domestic Product (CDP)

سرمایه‌گذاری خارجی در ساخت اماکن ورزشی ایران قرار داده‌اند (۱۴). موزانگازا^۱ و همکاران (۲۰۰۱) ساختارهای ناهماهنگ با شرایط جدید، نبود واقع‌گرایی و انسجام سیاسی - اجتماعی لازم را موجب کندی اجرای مراحل اقدامات و عملیات دولتی می‌دانند (۲۲). لیانگ وو^۲ (۲۰۰۷) در پژوهشی نقش ضروری واحدهای سیاستگذار پشتیبان در تأثیرات نتایج اجرایی پساخصوصی‌سازی را بسیار مهم می‌داند (۱۹).

ژانگ و ژانگ^۳ (۲۰۰۹)، خصوصی‌سازی را موجب بهبود رفاه اقتصادی و اجتماعی در تسهیلات ورزشی می‌دانند (۲۶). تی سامنی^۴ و همکاران (۲۰۱۰) معتقدند که خصوصی‌سازی موجب بهبود خدمات، افزایش رضایت مشتریان، بهبود آموزش کارکنان و کارایی تولید می‌شود (۲۵). ناصح (۲۰۱۳) در تحقیقی با عنوان «ارزیابی خصوصی‌سازی در ورزش با تعیین کردن قوت‌ها و ضعف‌ها» عنوان می‌کند که مشکلات مدیریتی و دستورالعمل‌های آموزشی و مالی به اضافه نقض حقوق مشتریان تحت تأثیر اجرای غیرمؤثر خصوصی‌سازی واقع شده و نقاط قوت آن شامل کاهش هزینه‌های دولتی و پایه فعالیت‌های کارشناسان و بهبود بازدهی است (۲۴).

حقیقت این است که دولت یا بخش خصوصی به‌تنهایی کارایی لازم را در اقتصاد ندارد؛ این دو بخش لازم و ملزوم یکدیگرند. اما حیطة وظایف و دامنه عملکرد هر یک از آنها باید مشخص شود. طی سالیان متمادی، دولت در ایران نقش عمده‌ای را در صحنه فعالیت‌های اقتصادی ایفا کرده و تصور بر این است که تنگناهای خصوصی‌سازی فقط ناشی از تأثیر عوامل اقتصادی است، غافل از اینکه عوامل غیراقتصادی نقش شایان توجه و گاه مهم‌تری نسبت به عوامل اقتصادی دارند که از مهم‌ترین

خصوصی‌سازی در ورزش کشور با تأکید بر ورزش قهرمانی»، اظهار می‌دارد که مدیران ورزش با اعمال سیاست خصوصی‌سازی در ورزش، خواهان اصلاح ساختار موجود ورزش کشور بوده‌اند (۹).

پاداش (۱۳۸۸) اعتماد ضعیف بین‌المللی به کشورهای در حال توسعه را از موانع و مشکلات خصوصی‌سازی دانسته و عنوان می‌کند که قاطعیت و عزم راسخ نسبت به اجرای سیاست خصوصی‌سازی میان مسئولان ذی‌ربط وجود ندارد (۵). الهی (۱۳۸۷) در تحقیقی دیگر با عنوان «موانع و راهکارهای توسعه اقتصادی صنعت فوتبال جمهوری اسلامی ایران»، به وجود برخی موانع از جمله موانع سیاسی در برابر خصوصی‌سازی ورزش اشاره می‌کند و از بین بردن این موانع را یکی از راهکارها در این زمینه می‌داند (۳). علی‌دوست قهفرخی (۱۳۸۹) در تحلیل موانع موجود در مسیر پیاده‌سازی سیاست‌های کلی اصل ۴۴ در ورزش حرفه‌ای کشور، به موانع عقیدتی و سیاسی اشاره کرده و پیوند عمیق سیاست و ورزش را از موانع موجود خصوصی‌سازی می‌داند (۱۳). شجاع‌الدین (۱۳۹۰) به بررسی نقش دولت در روند خصوصی پرداخت. نتایج تحقیق وی نشان داد بی‌توجهی به عوامل سیاسی در جامعه به عدم موفقیت در زمینه خصوصی‌سازی منجر خواهد شد (۱۰). عسکرزاده (۱۳۹۰) عنوان می‌کند که نگرش سیاسی مدیران با میزان جذب سرمایه‌گذاری در حوزه خصوصی‌سازی ورزش رابطه مثبت و معناداری دارد (۱۲). خسروی‌زاده (۱۳۹۳) در تحقیقی نشان داد که سرمایه‌گذاری و مشارکت بخش خصوصی در ورزش به‌ترتیب با موانع اقتصادی، اطلاعاتی و بازار سرمایه، مدیریتی، قانونی و حقوقی، فرهنگی و اجتماعی، حمایتی و تشویقی، و سیاسی مواجه است (۷). قنبری فیروزآبادی و همکاران (۱۳۹۳) عوامل سیاسی را با میانگین رتبه ۶/۲۲ در رتبه اول عوامل مؤثر بر

1. Muzangaza
2. Liang Wu
3. Zhang & Zhang
4. Tsameny

روش تحقیق

این پژوهش از حیث جهت‌گیری کاربردی^۱ است و گردآوری داده‌ها در آن به صورت آمیخته^۲ و در دو مرحله پیاپی صورت گرفته است. مرحله اول کیفی و اکتشافی^۳ و مرحله دوم از نوع تبیینی است. در مرحله اول از طریق مصاحبه عمیق^۴ نیمه‌استاندارد یا نیمه‌ساختاریافته^۵ با افراد خبره و صاحب نظر اطلاعات تکمیلی به منظور شناخت نقش دولت در فرایند خصوصی‌سازی ورزش گردآوری، سپس داده‌های حاصل از ۲۰ مصاحبه به روش نظریه پردازی داده بنیاد در سه مرحله کدگذاری (باز، محوری و گزینشی)، تجزیه و تحلیل شد.

برای انجام مصاحبه‌ها از روش نمونه‌گیری هدفمند^۶ و روش نمونه‌برداری ارجاعی زنجیره‌ای یا گلوله برفی^۷ استفاده شد. در انتخاب نمونه آماری جهت مصاحبه سعی شد هم از افراد دارای تحصیلات دانشگاهی و هم از افراد دارای تجربیات مدیریتی استفاده شود. این افراد شامل اعضای هیأت علمی دانشگاه در گرایش‌های مختلف علوم سیاسی، مدیریت (بازرگانی و ورزشی)، اعضای کارگروه اقتصاد وزارت ورزش و جوانان و مدیران کل منتخب اداره ورزش و جوانان استان‌ها بودند. مرحله دوم مطالعه به صورت کمی و به روش مدلسازی معادلات ساختاری بود. بدین منظور از پرسشنامه ۱۹ سؤالی برگرفته از مرحله کیفی مبتنی بر نقش دولت در خصوصی‌سازی ورزش ایران به عنوان ابزار تحقیق استفاده شد. پرسشنامه اولیه متشکل از ۲۵ گویه در چهار مؤلفه بود که ۱۵ نفر از استادان دانشگاه و متخصصان، مدیران و دست‌اندرکاران ورزش با ارائه نظرهای خود و انجام اصلاحاتی در خصوص

آنها می‌توان به مسائل سیاسی کشور اشاره کرد. اما متأسفانه در ایران توجه ناچیزی به این مسائل تأثیرگذار و مهم شده است.

با توجه به پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه و نتیجه‌گیری از تحقیقات پیشین می‌توان گفت که خصوصی‌سازی در ورزش ایران به معنای واقعی کلمه هنوز جایگاه واقعی خود را پیدا نکرده است و دولتمردان و سیاستمداران کشور در این عرصه به دلیل استفاده از ورزش به عنوان ابزار سیاسی قوی، تمایل چندانی به خصوصی شدن ورزش ندارند. چراکه با این کار نگران از دست دادن جایگاه و موقعیت سازمانی خود هستند. نظر به اینکه تقریباً تمامی پژوهش‌های انجام گرفته در این حوزه بیشتر به موانع سیاسی پرداخته‌اند، در این پژوهش محقق سعی دارد تا با بررسی نقش سیاسی دولت در فرایند خصوصی‌سازی ورزش ایران و ارائه نتایج، به نحوی بتواند در راستای از میان برداشتن این موانع و هرچه سریع‌تر انجام شدن این فرایند قدمی برداشته باشد. با تمامی تفاسیر و نتایج پژوهش‌های صورت گرفته، در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که نقش سیاسی دولت بر اساس متغیرهای موجود که در ادامه در مورد آنها بحث خواهیم کرد، در راستای اجرای سیاست خصوصی‌سازی صنعت ورزش چیست؟ نتایج پژوهش پیش‌رو می‌تواند به مسئولان سیاستگذار حوزه ورزش و خصوصی‌سازی کمک کند تا بتوانند به اهداف مندرج در قانون برنامه‌های اول تا پنجم توسعه کشور، سیاست‌های اصل ۴۴ و سند نظام جامع توسعه تربیت بدنی و ورزش که بر خصوصی شدن ورزش کشور تأکید دارند، بیشتر دست یابند و این پژوهش می‌تواند در کنار پژوهش‌های انجام گرفته در زمینه خصوصی‌سازی ورزش مفید فایده باشد.

1. Applied Orientation
2. Mixed Method
3. Exploratory
4. Depth Interview
5. Semi - Structured
6. Purposive
7. Snowball

به دست آمده است، براساس تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها به روش تئوری سازی داده بنیاد در چهار طبقه به شرح جدول ۱ دسته بندی شدند.

به منظور بررسی تناسب داده‌ها جهت اجرای تحلیل عاملی از آزمون بارتلت و شاخص KMO استفاده شد. در صورتی که آزمون بارتلت معنادار و شاخص KMO که مقدار آن بین صفر و یک در نوسان است، به یک نزدیک تر باشد (بیشتر از ۰/۶)، بیانگر تناسب داده‌ها برای انجام تحلیل عاملی است. در مورد مقدار محاسبه شده برای آزمون بارتلت نیز به واسطه سطح معناداری توزیع X^2 (کای دو) قضاوت می‌شود.

مطابق جدول ۲ با عنایت به عدد معناداری آزمون KMO (۰/۶۸۹ بزرگتر از ۰/۶) و عدد معناداری آزمون بارتلت (۰/۰۰۱ کوچکتر از ۰/۰۵)، می‌توان گفت که داده‌ها برای اجرای تحلیل عاملی مناسب است.

نگارش، تجانس سؤالات با اهداف تحقیق، تعداد سؤالات و پیشنهادهای اصلاحی خود، روایی محتوایی آن را بررسی و تأیید کردند. برای تعیین روایی سازه پرسشنامه از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. نتایج این آزمون براساس روش چرخش واریماکس نشان دهنده شناسایی گویه‌ها روی چهار عامل بود که در مجموع ۶۳/۸۱۳ درصد واریانس داده‌ها را پوشش دادند و فقط ۳۶/۱۸۷ درصد داده‌ها شناسایی نشدند. از طریق تحلیل عاملی تأییدی نیز با استفاده از نرم افزار AMOS، صحت حیطه بندی مؤلفه‌های چهارگانه تحقیق تأیید شد. در نهایت گویه‌های این پرسشنامه به ۱۴ سؤال در چهار مؤلفه انسجام سیاسی- اجتماعی، حاکمیت قانون، مشارکت سیاسی و قدرت دولت (به ترتیب دارای ۴، ۴، ۳ و ۳ سؤال) و خصوصی سازی (۵ سؤال) کاهش یافت. به منظور محاسبه پایایی ابزار تحقیق، ۳۰ پرسشنامه بین آزمودنی‌هایی که در تحقیق اصلی شرکت داده نشده بودند، توزیع و جمع‌آوری شد که با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ میزان پایایی آن برابر $\alpha=0/813$ به دست آمد. انتخاب نمونه‌ها با توجه به موضوع پژوهش از میان خبرگان عرصه ورزش، مدیریت، سیاست، اقتصاد و خصوصی سازی صورت گرفت. از آنجا که حجم چنین جامعه‌ای قابل شمارش و تخمین نبود، از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد و با کمک روش قضاوتی^۱، پرسشنامه‌ها میان افراد جامعه آماری توزیع شد. در نهایت به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده از ۲۲۰ پرسشنامه، از تحلیل رگرسیون چندمتغیره استفاده شد.

نتایج و یافته‌های تحقیق

مؤلفه‌های نقش سیاسی دولت در عرصه خصوصی سازی ورزش که از ۲۰ مصاحبه عمیق با خبرگان

جدول ۱. نقش سیاسی دولت در فرآیند خصوصی سازی ورزش برآمده از مصاحبه با خبرگان

وجود اعتماد متقابل بین ملت و دولت و بخش خصوصی در ورزش ثبات در سیاست‌های دولت به‌ویژه در مقوله خصوصی سازی ورزش عزم ملی و اعتقاد راسخ سیاسی اجتماعی برای خصوصی سازی ورزش وجود سیاست‌ها و برنامه‌های مشخص و آینده‌نگر به‌منظور هدایت امر خصوصی سازی ورزش	انسجام سیاسی-اجتماعی
عدم دخالت عوامل سیاسی در عزل و نصب مسئولان ورزش ممانعت از واگذاری‌ها به نهادهای دولتی و شبه‌دولتی به‌جای خصوصی سازی واقعی در ورزش هماهنگی و همسو کردن مقررات و سیاست‌های اجرایی نهادهای قانونی با سیاست خصوصی سازی ورزش عدم توقف برنامه خصوصی سازی ورزش به‌تبع تغییر دولت‌ها	حاکمیت قانون
استفاده نکردن دولت از ورزش به‌عنوان یک ابزار سیاسی انعطاف‌پذیری لازم دولت و قوانین مرتبط با اجرای سیاست‌های خصوصی سازی ورزش استفاده از مشاوران سیاسی - اقتصادی مجرب و توانمند در فرایند خصوصی سازی ورزش	مشارکت سیاسی
جلوگیری از ورود افراد غیرمتخصص و جریان‌ات سیاسی به بخش خصوصی ورزش طراحی سیاست‌های مبنی بر ایجاد فضای رقابتی به‌منظور خصوصی سازی ورزش کشور تعهد و حمایت سیاسی دولت جهت اطمینان و امنیت خاطر سرمایه‌گذار برای ورود به حوزه خصوصی سازی ورزش	قدرت دولت

جدول ۲. نتایج آزمون KMO و بارتلت نقش سیاسی دولت در خصوصی سازی ورزش ایران

آزمون کفایت نمونه‌گیری KMO	مقدار تقریبی کای دو	مقدار
۰/۶۸۹	۱۱۸۳/۳۵۰	۹۱
		۰/۰۰۱

تحقیق مرکب از چهار متغیر مستقل و متغیر وابسته خصوصی سازی مدل خوبی است و متغیرهای مستقل قادرند تغییرات خصوصی سازی را تبیین کنند.

به‌منظور بررسی میزان تأثیرگذاری مؤلفه‌های نقش سیاسی دولت بر خصوصی سازی ورزش ایران از رگرسیون چندگانه استفاده شد.

همان‌گونه که در جدول ۳ نشان داده شده است، با توجه به معناداری مقدار آزمون $F (P < 0/001)$ می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی $(F=2/410)$

جدول ۳. نتایج آزمون F به منظور بررسی مدل رگرسیونی تحقیق

مدل	مجموع مربعات	درجه آزادی	مربع میانگین	F	سطح معناداری
رگرسیون	۰/۰۷۶	۴	۰/۳۱۵	۲/۴۱۰	۰/۰۲۲
باقیمانده	۸/۵۷۹	۲۱۷	۰/۴۲۸		
مجموع	۸/۶۵۵	۲۲۱			

سیاسی- اجتماعی با ضریب رگرسیونی ۰/۱۸۷ دارای بالاترین تأثیر رگرسیونی بر متغیر وابسته خصوصی سازی ورزش در ایران است. در مرتبه دوم حاکمیت قانون با ضریب تأثیر ۰/۱۵۶، مرتبه سوم قدرت دولت با ضریب تأثیر ۰/۱۰۳ و در پایین ترین مرتبه مشارکت سیاسی با ضریب تأثیر ۰/۰۴۰ قرار دارند.

با توجه به نتایج جدول ۴ مقایسه متغیرها نشان می دهد که اولاً از دیدگاه افراد نمونه تأثیر سه مؤلفه انسجام سیاسی- اجتماعی، حاکمیت قانون، و قدرت دولت بر خصوصی سازی ورزش در ایران معنادار است و مؤلفه مشارکت سیاسی مقدار معناداری آن برابر با ۰/۱۲۸ که بزرگتر از ۰/۰۵ است، از این رو این متغیر اثر معناداری بر خصوصی سازی ورزش ایران ندارد. ثانیاً مؤلفه انسجام

جدول ۴. رگرسیون چندمتغیره برای پیش بینی میزان تأثیرگذاری مؤلفه های نقش سیاسی دولت بر خصوصی سازی ورزش ایران

متغیر مستقل	ضرایب استاندارد شده		T	سطح معناداری
	ضریب	ضرایب استاندارد شده		
مقدار ثابت	۰/۵۴۷	۰/۱۱۷	۴/۶۷۸	۰/۰۰۱
انسجام سیاسی- اجتماعی	۰/۱۶۷	۰/۱۸۷	۰/۸۷۸	۰/۰۰۱
حاکمیت قانون	۰/۱۱۸	۰/۱۵۶	۰/۹۱۱	۰/۰۰۳
مشارکت سیاسی	۰/۰۲۳	۰/۰۴۰	۰/۰۶۵	۰/۱۲۸
قدرت دولت	۰/۰۹۹	۰/۱۰۳	۰/۶۳۱	۰/۰۴۴

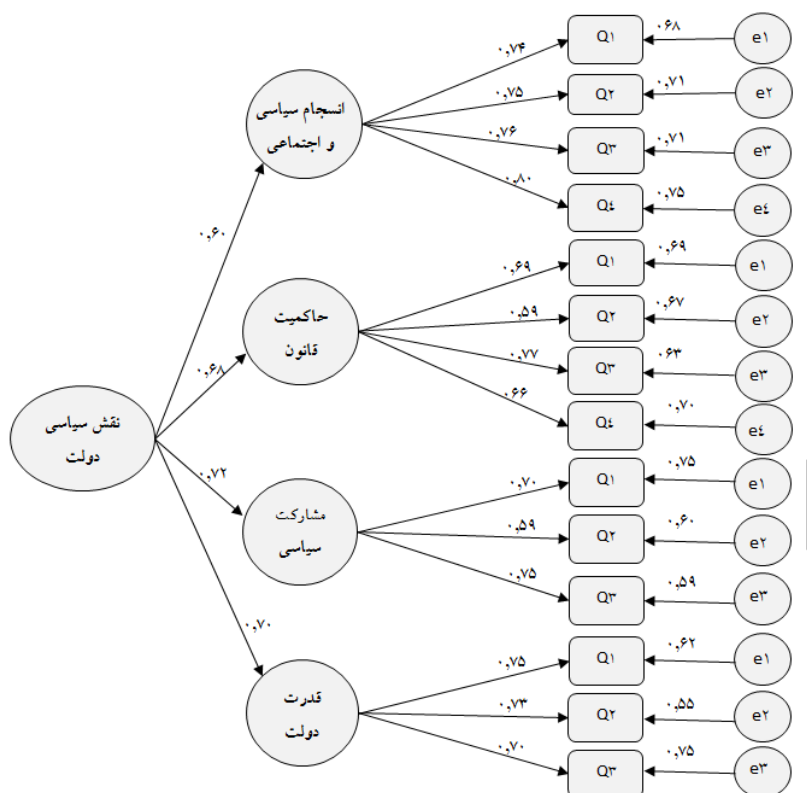
استفاده از روش تحلیل عاملی تأییدی به درستی اجرا شده است و تداخلی مشاهده نمی شود. با توجه به اینکه مقدار ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب RMSEA برای مدل اولیه کمتر از ۰/۰۸ گزارش شده، از این رو به منظور استفاده از این سازه در طراحی مدل ساختاری تحقیق به لحاظ آماری، نیازی به انجام اصلاحات نیست و مدل از برازش خوبی برخوردار است. همان طور که مشخصه های برازندگی جدول ۵ نشان می دهد، داده های این پژوهش با ساختار عاملی و زیربنای نظری تحقیق برازش مناسبی

مدل تحلیل عاملی تأییدی متغیر نقش اقتصادی دولت:

سؤال اساسی مطرح شده این است که آیا این مدل اندازه گیری مناسب است؟ برای پاسخ به این پرسش باید آماره X^2 و سایر معیارهای مناسب بودن برازش مدل بررسی شود. از این رو متغیر نقش سیاسی دولت و ابعاد آن با استفاده از مدل تحلیل عاملی مورد سنجش قرار گرفته که مدل آن در شکل ۱ ارائه شده است.

نتایج شکل ۱ نشان می دهد که نشانگرها در کنار یکدیگر سازه های مربوط به خود را با توجه به ساختار مورد نظر محقق به درستی تأیید کردند، زیرا مدل حاضر با

دارد و این بیانگر همسو بودن سؤالات با سازه‌های نظری است.



Chi-Square= ۴/۵۰, df= ۳/۴, p-value= ۰/۰۰۰ RMSEA= ۰/۰۳۰

شکل ۱. مدل تحلیل عاملی متغیر نقش سیاسی دولت

جدول ۵. شاخص‌های برازش متغیر نقش سیاسی دولت

شاخص	حد نرمال	مقدار مشاهده شده
میانگین مجذور پس ماندها RMR	نزدیک به صفر	۰/۰۶
میانگین مجذور پس ماندها استاندارد شده SRMR	نزدیک به صفر	۰/۰۷
Df	بزرگ‌تر از صفر	۳/۴
نسبت χ^2 به df	کمتر از ۳	۲/۴
شاخص برازندگی GFI	۰/۹ و بالاتر	۰/۹۵
شاخص هنجار شده برازندگی (NFI)	۰/۹ و بالاتر	۰/۹۷
شاخص هنجار نشده برازندگی (NNFI)	۰/۹ و بالاتر	۰/۹۴
شاخص برازندگی فزاینده (IFI)	۰/۹ و بالاتر	۰/۹۳
شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)	۰/۹ و بالاتر	۰/۹۷
ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب، RMSEA	کمتر از ۰/۰۸	۰/۰۳۰

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که نقش سیاسی دولت در فرایند خصوصی‌سازی ورزش ایران را می‌توان به چهار مؤلفهٔ انجام سیاسی-اجتماعی، حاکمیت قانون،

مشارکت سیاسی و قدرت دولت تقسیم کرد.

در پژوهش حاضر تأثیرگذارترین مؤلفه در این نقش انجام سیاسی-اجتماعی است. پاداش (۱۳۸۸) به نبود سیاست و برنامهٔ مشخص به‌منظور هدایت امر

دانست که از اعمال قدرت خودسرانه و خودکامگی‌ها جلوگیری می‌کند. شاید از دلایل مطابقت برخی از پژوهش‌های مذکور با نتایج این پژوهش سیاست‌های حاکم بر فرایندهای خصوصی سازی در ورزش کشور باشد. سومین مؤلفه از نظر میزان تأثیرگذاری در نقش سیاسی، قدرت دولت است؛ احمدی (۱۳۸۵) به نبود امنیت برای سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی ورزش و پاداش (۱۳۸۸) به عدم استفاده از نیروی متخصص اشاره می‌کنند. الهی (۱۳۸۷) و علی‌دوست قهفرخی (۱۳۸۹) به فقدان نظام بازار اقتصادی، درون‌گرایی و عدم آزادسازی بازار در اقتصاد کل کشور و لیانگ وو^۱ (۲۰۰۷) بر نقش ضروری واحدهای سیاستگذار در آزادی بازار (فضای رقابتی) تأکید دارند (۱۹، ۱۳، ۵، ۳، ۱). کومار و پاپ کو (۲۰۱۱) از دلایل موفقیت چین در جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی را انجام اصلاحاتی در اقتصاد این کشور، اجرای سیاست‌های باز اقتصادی و حاکم کردن اقتصاد بازار محور در این کشور برشمرده‌اند (۲۰). با توجه به نتایج این تحقیق دولت ضمن جلوگیری از ورود افراد غیرمتخصص و جریانات سیاسی به بخش خصوصی ورزش، باید سیاست‌های مبتنی بر ایجاد فضای رقابتی به‌منظور خصوصی سازی ورزش کشور را طراحی کند و حمایت سیاسی از سرمایه‌گذار را به‌منظور امنیت خاطر آنها برای ورود به حوزه خصوصی سازی ورزش در دستور کار خود قرار دهد. این نتایج تأییدکننده نتایج مطالعه حاضرند.

آخرین مؤلفه در این نقش مشارکت سیاسی است؛ احمدی (۱۳۸۵) به وجود قوانین سخت‌گیرانه نهادهای مختلف دولتی، علی‌دوست قهفرخی (۱۳۸۹) به پیوند عمیق سیاست و ورزش و امیری (۱۳۹۲) به استفاده دولت از ورزش به‌عنوان یک ابزار سیاسی تأکید کرده‌اند (۱۳، ۴، ۱). دلیل مطابقت این نتایج با تحقیق حاضر را

خصوصی سازی و علی‌دوست قهفرخی (۱۳۸۹)، به نبود اطمینان متقابل بین دولت و بخش خصوصی و نبود اطمینان و اعتماد به ثبات در سیاست‌های دولت، اشاره دارند (۱۳، ۵). افسای (۱۳۹۱) مشارکت دولت و بخش خصوصی را تنها راه چاره در جهت نیل به اهداف خصوصی سازی ورزش دانسته است (۲). این نتایج با نتایج تحقیق حاضر همراستاست. نتایج پژوهش حاضر حاکی از این بود که اعتماد متقابل بین ملت و دولت و بخش خصوصی، ثبات در سیاست‌های دولت، عزم ملی و اعتقاد راسخ سیاسی اقتصادی، وجود سیاست‌ها و برنامه‌های مشخص از مؤلفه‌هایی است که می‌توانند بر خصوصی سازی ورزش اثر بگذارند. دلیل مطابقت در نتایج را می‌توان به وضعیت سیاسی-اجتماعی حاکم بر جامعه نسبت داد که بدین منظور باید بین کلیه اجزای نظام سیاسی انسجام و همبستگی وجود داشته باشد و این انسجام و همبستگی از مردم و تمامی گروه‌های موجود در کشور به نظام سیاسی واگذار شده باشد.

حاکمیت قانون دومین مؤلفه از نظر اهمیت در نقش سیاسی دولت است؛ عالی‌پور (۱۳۸۵) نبود اهداف مشخص اتخاذ سیاست خصوصی سازی و علی‌دوست قهفرخی (۱۳۸۹) وجود برخی عوامل سیاسی در عزل و نصب مسئولان را از مهم‌ترین موانع خصوصی سازی ورزش ایران می‌داند (۱۳، ۱۱). این نتایج با یافته‌های تحقیق حاضر که بر همسویی مقررات و سیاست‌های اجرایی کشور با سیاست خصوصی سازی، وجود اهداف مشخص در اتخاذ این سیاست‌ها، ممانعت از واگذاری‌ها به نهادهای دولتی و شبه‌دولتی و بر نبود عوامل سیاسی در عزل و نصب مدیران تأکید دارد، همراستاست. چراکه هر کدام از این موارد می‌توانند بر خصوصی سازی ورزش اثرگذار باشند. تصمیم‌گیری و عمل دولت به شیوه‌ای عقلانی بر مبنای دلایل قانونی را می‌توان جوهره مفهوم حاکمیت قانون

1. Liang Wu

فضای رقابتی سالم با اعمال قدرت و حاکمیت قانون است. بنابراین دولت باید برای برطرف کردن موانع موجود سیاسی پیش‌روی خصوصی شدن ورزش ایران محدودیت‌های سیاسی برای واگذاری ورزش به بخش خصوصی را از میان بردارد و از ورود افراد غیرمتخصص و جریان‌های سیاسی به بخش خصوصی و از واگذاری‌های سودآور به افراد خاص (وابستگان تصمیم‌گیرندگان)، جلوگیری کند. همچنین با ایجاد ثبات در سیاست‌های کشور در زمینه‌های مختلف طوری عمل کند که با تغییر دولت‌ها برنامه‌های خصوصی‌سازی ورزش متوقف نشود، زیرا در این شرایط سرمایه‌گذار با اطمینان و امنیت خاطر به بخش خصوصی وارد خواهد شد. در نگاه کلی و در متغیرهای بررسی‌شده در این پژوهش و پژوهش‌های پیشین، در فرایند خصوصی شدن ورزش ایران، متأسفانه بحث‌های جدی و عملیاتی در این زمینه مشاهده نمی‌شود که لزوم بازنگری و توجه به مباحثی را که مطرح شد، می‌طلبد تا اهداف خصوصی‌سازی ورزش محقق شود.

شاید بتوان در عوامل روان‌شناختی، عوامل اجتماعی و عوامل محیطی که بر میزان مشارکت سیاسی تأثیرگذارند، جست‌وجو کرد. با بررسی این عوامل می‌توان میزان مشارکت سیاسی را افزایش داد تا به تبع آن درجه انسجام سیاسی نیز تقویت شود.

با توجه به یافته‌های تحقیق حاضر به دولت محترم پیشنهاد می‌شود در جهت خصوصی‌سازی ورزش ایران و سرعت بخشیدن به این مقوله اقتصادی-اجتماعی، در تنظیم لوائح، دستورالعمل‌ها و مقررات مرتبط با اجرای سیاست‌های خصوصی‌سازی ورزش انعطاف‌پذیری لازم را داشته باشد. از آنجا که موضوع خصوصی‌سازی از مباحث بسیار پیچیده و چندوجهی است، استفاده از مشاوران سیاسی-اقتصادی قوی و مجرب و از طرفی استفاده نکردن دولت از ورزش به‌عنوان یک ابزار سیاسی در این زمینه می‌تواند موجبات خصوصی شدن ورزش کشور را فراهم کند. یافته‌های این تحقیق تأکید دارد که یکی از حلقه‌های مهم در خصوصی شدن ورزش ایران ایفای نقش سیاسی دولت با ایجاد انسجام و مشارکت سیاسی در

منابع و مأخذ

۱. احمدی، اژدر (۱۳۸۵). "موانع و مشکلات موجود خصوصی‌سازی حوزه ورزش از دیدگاه صاحبان باشگاه‌ها و مراکز خصوصی ورزشی شهرستان ارومیه". پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه ارومیه، ص ۸۸-۳۹.
۲. افسای، علی (۱۳۹۱). "بررسی موانع مدیریتی خصوصی‌سازی باشگاه‌های لیگ حرفه‌ای فوتبال کشور". پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مبارکه اصفهان، ص ۵۶-۲۴.
۳. الهی، علی‌رضا (۱۳۸۷). "موانع و راهکارهای توسعه اقتصادی صنعت فوتبال جمهوری اسلامی ایران". رساله دکتری، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تهران، ص ۴۵-۳۴.
۴. امیری، مجتبی (۱۳۹۲). "تبیین و اولویت‌بندی موانع فراروی خصوصی‌سازی و مشارکت بخش خصوصی در توسعه ورزش". مجله مدیریت ورزشی، دوره ۵، ش ۴، ص ۱۰۶-۸۳.
۵. پاداش، دنیا؛ سلطان حسینی، محمد؛ خبیری، محمد و فتحی، سعید (۱۳۸۸). "تعیین و اولویت‌بندی عوامل مدیریتی و اجرایی مؤثر بر خصوصی‌سازی باشگاه‌هایی ورزشی با روش AHP". همایش بین‌المللی علم و فوتبال، آکادمی ملی فوتبال، تهران، ص ۲۰-۱۶.

۶. چانگ، کلود وی (۱۳۸۷). "خصوصی سازی و توسعه - نظریه، خط و مشی و شواهد". ترجمه محمد صفار، تهران: نشر عترت نو، ص ۱۱.
۷. خسروی زاده، اسفندیار؛ بهرامی، علیرضا و حقدادی، عابد (۱۳۹۳). "موانع سرمایه گذاری و مشارکت بخش خصوصی در ورزش استان مرکزی". مطالعات مدیریت ورزشی، ش ۲۴، ص ۲۰۷-۲۲۲.
۸. دیک، ولش و الیویر، فرموند (۱۳۸۹). "خصوصی سازی مرحله به مرحله روش ها و نمونه ها". ترجمه سازمان خصوصی سازی - مدیریت مطالعات و برنامه ریزی، تهران: عترت چاپ، ص ۹۳.
۹. رضوی، سید محمدحسین (۱۳۸۳). "افزایش کارایی با سیاست خصوصی سازی در ورزش". نشریه حرکت، ش ۲۳، ص ۵-۲۲.
۱۰. شجاع الدین، رقیه (۱۳۹۰). "نقش دولت در روند خصوصی سازی (مطالعه تطبیقی تجربه کشورهای آلمان، چین و ایران)". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبایی تهران، ص ۲۲-۳۴.
۱۱. عالی پور، زهره (۱۳۸۵). "فعالیت های خصوصی سازی در ایران گذشته، حال و آینده". مجموعه مقالات همایش ملی سیاست های اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، ص ۲۸۳-۲۶۳.
۱۲. عسکرزاده، مریم و حیدری نژاد، صدیقه (۱۳۹۰). "بررسی عوامل مؤثر بر جذب سرمایه گذاری در ورزش استان خوزستان". مطالعات مدیریت ورزشی، ش ۱۲، ص ۶۱-۷۴.
۱۳. علیدوست قهفرخی، ابراهیم (۱۳۸۹). "تحلیل موانع پیاده سازی سیاست های کلی اصل ۴۴ در ورزش حرفه ای جمهوری اسلامی ایران". رساله دکتری، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تهران، ص ۱۲-۳۳.
۱۴. قنبری فیروزآبادی، علیرضا؛ جمالی، حمید؛ موسوی، جعفر و امانی، امین (۱۳۹۳). "عوامل مؤثر بر سرمایه گذاری خارجی در ساخت اماکن ورزشی ایران". هشتمین همایش بین المللی تربیت بدنی و علوم ورزشی، تهران، ص ۲.
۱۵. کیان مرز، یحیی (۱۳۸۶). "تحلیل اقتصاد صنعت ورزش ایران". ششمین همایش بین المللی تربیت بدنی و علوم ورزشی کشور، کیش، ص ۱۹-۱۴.
16. Bray, M. (2002). "The costs and financing of education: Trends and policy implications". Asian Development Bank and Comparative Education Research Centre, University of Hong Kong, Hong Kong, pp: 201-211.
17. Drucker, P. (1968). "The Age of discontinuity". New York: Harper & Row Publishers, p: 234.
18. Holt, M. (2007). "The ownership and control of elite club competition in European football". Soccer and Society, 8(1), pp: 50-67.
19. Hsueh-Liang, W. (2007). "Exploding the source of privatization- induced performance changes". Journal of Organizational Change Management, 20(1), pp: 44-59.
20. Kumar, S., Yapco, C. (2011). "China's economic cooperation related investment: an investigation of its direction and some implications for outward investment". China Economic Review, 22(1), pp: 75-87.
21. Megginson, L., Jeffry, M. (2001). "From state to market: A survey of empirical studies on privatization". Journal of Economic Literature, 15(3), pp: 2-88.

22. Muzangaza, C., Gabriel, C. (2001). "The role of ideological and behavioral differences in privatization problems in transition economies the context of Zimbabwe". PhD Dissertation, Walden University, Washington, USA, pp: 85-105.
23. Mythic, J., Oughton, C. (2004). "Competitive balance in football: trends and effects". FGRC Research Paper, University of London, London, England, pp: 24-39.
24. Nasseh, M. (2013). "Evaluation of privatization in sports with the approach of assessing the strengths and weaknesses". European Journal of Experimental Biology, 3(1), pp: 631-636.
25. Tsameny, M., Onumah, J., Tetteh-Kumah, E. (2010). "Post-privatization performance and organization changes: Case study from Ghana". Critical Perspectives on Accounting, 21, pp: 428-442.
26. Zhang, B., Zhang, L. (2009). "Government regulations of the privatization of the public sports facilities". Sport Science Research, 2(11), pp: 44-82.

Archive of SID